



مؤسسه فرهنگ قرآن و عترت اسوه تهران

# روز آمزش و گذش کربا عید فطر گرامی باد

وفات حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام)

وشهادت امام صادق (علیه السلام) تسلیت باد

تقویم و روز شمار ماه شوال

۱ شوال: عید فطر

۸ شوال: تخریب قبور ائمه بقیع (علیهم السلام) (۱۳۴۴ ه.ق)

۱۵ شوال: وفات حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) (سال ۲۵۲ ه.ق)

۲۵ شوال: شهادت امام صادق (علیه السلام) (سال ۱۴۸ ه.ق)

۵ اردیبهشت: شکست حمله نظامی آمریکا به ایران در طبس (۱۳۵۹ ه.ش)

۱۲ اردیبهشت: شهادت استاد شهید مرتضی مطهری (۱۳۵۸ ه.ش)، روز

معلم، روز جهانی کار و کارگر

## در این شماره اسوه می خوانیم:

چه کسی پیروز خواهد شد؟

شهید «مرتضی آوینی» از قاب اسوه

متن این انقلاب، جمهوریت و اسلامیت است

شکست آمریکا در صحرای طبس

عزت مؤمن از هر چیزی گرامی تر است

زیارت ائمه اطهار، راهی برای رشد کمالات انسانی

قرآن کتاب هدایت است

جز رحمت چشمان تو، دنیا چه می خواهد

تربیت در محیط رفاقتی (قسمت هفدهم)

# چه کسی پیروز خواهد شد؟

شهید سید مرتضی آوینی

اینک که ماه مبارک رمضان با همه رحمت‌ها و فضل و کرم صاحبش به پایان رسید؛ در آستانه عید فطر، عید بندگی از خداوند منان خواستاریم که عیدی ما را ظهور حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه) و پایان غم و اندوه از چهره شیعیانش قرار دهد. که این روزها داغدار ظلمی است که شقی‌ترین انسان‌ها در حق عزیزترین‌ها می‌کند.

در این روز عید از خداوند بخواهیم تا ما را زمینه‌ساز ظهورش کرده و به زودی زود موانع ظهورش را برطرف نماید؛ ان شاء الله. «حتی اگر هیچ برهان دیگری در دست نداشتیم، ظهور انقلاب اسلامی - و بهتر بگوییم، بعثت تاریخی انسان در وجود مردی چون حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) - برای من کافی بود تا باور کنم که عصر تمدن غرب سپری شده است و تا وضع موعود که انتظار اوست، فاصله چندانی باقی نمانده است.

نتیجه نهایی را باید در سرنوشت موعود جهان جستجو کرد. ما مرده و شما زنده، خواهیم دید که بالاخره چه کسی پیروز خواهد شد و چه کسی زمین را به ارث خواهد برد؟ حق یا باطل، امام حسین علیه السلام یا یزید، حزب الله یا صدام، حضرت امام و یا غرب و شرق، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یا دجال.

ما به وعده‌های خدا یقین داریم که «ان الارض یرثها عبادی الصالحون» این ماییم که زمین را به ارث خواهیم برد. (مقاله دولت پایدار حق فرا می‌رسد،

# کلام نور

هیچ گنجی، سودمندتر از دانش نیست



## متن این انقلاب، جمهوریت و اسلامیت است

این راه‌هایی که می‌تواند این دو عنوان کلی را تحقق ببخشد فکر کنید، کار کنید؛ محافل دانشجویی، نشست‌های فکری دانشجویی، مطالعات دانشجویی، ارتباطات دانشجویی با صاحب‌نظرانی که معتقد به انقلابند، باید در این جهت باشد. فکر کنید ببینید برای تحقق این دو عنوان چه کار باید کرد، چه تلاشی باید کرد، چگونه باید تلاش کرد.

به هر حال تشکلهای دانشجویی یکی از فرصت‌های بزرگ کشورند؛ بنده تشکلهای دانشجویی را همه‌تان را- جزء فرصت‌های بزرگ می‌دانم. می‌دانم اختلاف نظر هم دارید، اختلاف ممشی هم دارید؛ اشکالی هم ندارد؛ [اما] اختلاف فکری غیر از یقه‌گیری و دعوا کردن است. آنچه بنده اول سال هم گفتم، تکرار هم کردم، باز هم تکرار می‌کنم و از آن نهی می‌کنم، عبارت است از دعوا کردن. اختلاف نظر نباید به دعوا منتهی بشود، به گریبان یکدیگر را گرفتن نباید منتهی بشود. اختلاف دارید، اشکالی ندارد، اما وجود تشکلهای یکی از فرصت‌های بزرگ برای دانشگاه است.

**بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رضائی دانشجویان،**

**۲۷ ماه رمضان ۱۴۴۵**

متن این انقلاب، جمهوریت و اسلامیت است؛ هم جمهوریت، هم اسلامیت؛ لذا امام اعلان کرد «جمهوری اسلامی». تقریباً همه‌ی مردم هم به جمهوری اسلامی رأی دادند؛ حتی کسانی که به اسلام اعتقاد نداشتند، اما [آنها هم] به جمهوری اسلامی رأی دادند. همان وقت شبهه‌هایی به وجود آمد که چگونه «جمهوری» با «اسلامی» می‌توانند با هم سازگار باشند؛ یعنی این شبهه که مردم‌سالاری و جمهوریت و حضور مردم و رأی مردم، با چهارچوب اسلام سازگار نیست؛ این شبهه را همان اول انقلاب عده‌ای مطرح کردند؛ آن کسی که به این شبهه جواب داد، علمای دین نبودند، [بلکه] حقوقدان‌های برجسته‌ی کشور بودند که شبهه را جواب دادند. شبهه قابل جواب و کاملاً روشن است؛ یعنی همه قبول کردند.

حالا با این مقدمه و توضیحی که عرض شد، گفتم باید دنبال آرمان باشیم. به نظر من جمهوری اسلامی می‌تواند آرمان‌های خودش را در ذیل دو عنوان کلی خلاصه کند: یک عنوان عبارت است از «اداره‌ی کشور به شیوه‌ی اسلامی»؛ عنوان دوم، «ارائه‌ی یک الگو به مردم جهان برای اداره‌ی خوب یک کشور»؛ این دو آرمان است. شما باید برای این دو آرمان تلاش کنید؛ شما باید روی



## عزّت مؤمن از هر چیزی گرامی تر است

شخصی آمد خدمت امام صادق علیه السلام و شروع کرد از تنگدستی خودش گفتن که خیلی فقیر شده‌ام، خیلی ناچارم و درآمدم کفاف خرجم را نمی‌دهد، چنین می‌کنم و چنان. حضرت به یکی از کسانشان فرمود: برو فلان مقدار دینار تهیه کن و به او بده.

تا رفت بیاورد، آن شخص گفت: آقا! من والله مقصودم این نبود که از شما چیزی بخواهم. فرمود: من هم نگفتم که مقصود تو از این حرفها این بود که از من چیزی می‌خواهی ولی من یک نصیحت به تو می‌کنم؛ این نصیحت از من به تو باشد که هر بیچارگی و سختی و گرفتاری که داری برای مردم نقل نکن زیرا کوچک می‌شوی.

اسلام دوست ندارد مؤمن در نظر دیگران کوچک باشد؛ یعنی صورت خودت را با سیلی هم که شده سرخ نگه‌دار، عزّت خودت را حفظ کن. علی هم می‌گوید: وَرَضِيَ بِالذُّلِّ مَنْ كَشَفَ ضُرَّهُ أَنْ كَسَى كَدَّهَ دَرْدَ خُودِش رَا، بیچارگی خودش را برای دیگران می‌گوید آبرو و عزّت خود را از بین می‌برد. همه جا می‌گوید: آقا! ما خیلی بیچاره هستیم، اوضاع ما خیلی بد است، اوضاعمان به قول امروزها خیلی درام است، چنین و چنان. اینها را نگو، آبرو از هر چیزی عزیزتر است، عزّت مؤمن از هر چیز دیگری گرامی تر است.



# قرآن کتاب هدایت است

این قرآنی که شما تلاوت می‌کنید، کتاب هدایت است: إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ؛ همه به هدایت احتیاج داریم. کتاب ذکر است و «ذکر» یعنی ازاله‌ی غفلت؛ ما غالباً دچار غفلتیم؛ آحاد بشر غالباً معلومات خودشان را هم از یاد می‌برند و دچار غفلت می‌شوند.

قرآن کتاب ذکر است، ضد غفلت و مُزِيل غفلت است؛ فرمود: وَقَدْ يَسِّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ.

قرآن کتاب انذار است: وَ أَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأَنذِرْكُمْ بِهِ؛ احتیاج داریم به انذار، که توجه بدهند ما را به خطراتی که تهدید میکند آحاد بشر را، چه در این نشئه و چه در نشئه‌ی بعد که زندگی حقیقی است.

قرآن کتاب درمان دردهای بشر است؛ چه دردهای افراد بشر [مانند] دردهای معنوی و روحی و فکری‌شان، چه دردهای جوامع بشری از قبیل [جنگها، ظلمها، بی‌عدالتی‌ها؛ قرآن درمان اینها است: وَ نُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ.

قرآن کتاب حکمت است: یس، وَ الْقُرْآنَ الْحَكِيمَ؛ «حکمت» یعنی بیان حقایق زندگی که انسان به آنها احتیاج دارد.

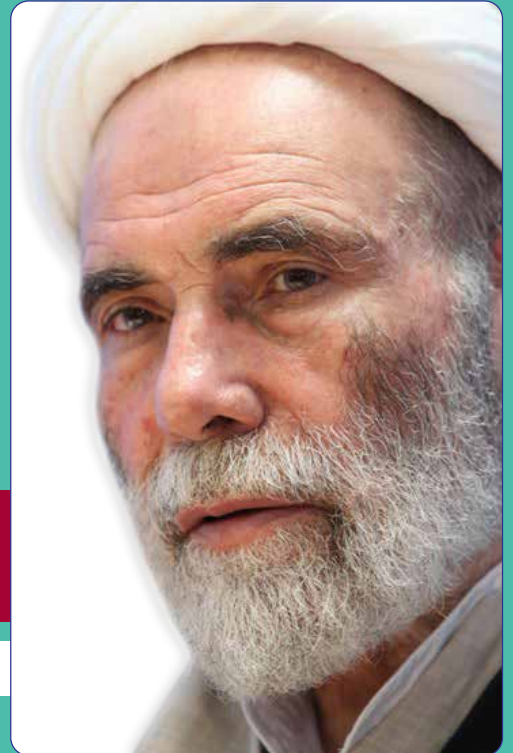
قرآن کتاب تبیین و رفع ابهام‌ها و جهالت‌ها است، مکرر هم «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ» در قرآن تکرار شده است.

قرآن به ما می‌فرماید که «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ» آیا درباره‌ی غزّه به این آیه عمل می‌شود؟ چرا سران کشورهای اسلامی علناً مخالفت خودشان، قطع رابطه‌ی خودشان، قطع کمک‌ها و پشتیبانی‌های خودشان از کافر مُقَاتِلِ خَبِيثِ صهیونیست را اعلام نمی‌کنند؟ قرآن می‌فرماید که «لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ» آیا امروز در دنیا به این آیه عمل می‌شود؟ قرآن می‌فرماید که «سَيِّدَاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛ آیا این شدت عمل، در مقابل رژیم خبیث صهیونیستی نشان داده می‌شود؟

امروز این‌ها دردهای بزرگ دنیای اسلام است. خدای متعال از آحاد ملت‌های مسلمان مؤاخذه می‌کند که چرا بر دولت‌های خودشان فشار نیاوردند، و از دولت‌های مسلمان مؤاخذه می‌کند که چرا عمل نکردند. اِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللهُ عَنِ الذِّينِ قَاتَلُوْكُمْ فِي الدِّيْنِ وَ اٰخَرَجُوْكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ... اَنْ تَوَلَّوْهُمْ؛ فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان مسابقات بین‌المللی قرآن (۱۴۰۲/۱۲/۰۳)





## تربیت در محیط رفاقتی

آیت الله مجتبی تهرانی

قسمت هفدهم

عصبیت جاهلی پیدا می‌کند. حالا چه طرف مقابلش شخص باشد، چه گروه باشد.

### گروه‌گرایی و حزب‌بازی از مصادیق حمیت جاهلیه

این خودش بحثی است که تحت عنوان «گروه‌گرایی» مطرح است. آنجا می‌گویند رفاقت و دوستی، اینجا می‌گویند «گروه‌گرایی».

حالا این اجتماعی گاهی بر محور خانواده است، که در روایات اسم آن را عشیره و قوم می‌گذارند که حضرت فرمود: «أَنْ يَزِيَّ الرَّجُلُ شِرَارَ قَوْمِهِ خَيْرًا مِنْ خِيَارِ قَوْمٍ آخِرِينَ». گاهی هم بر محور گروه‌هایی است که به قول ما جنبه‌های اعتباری دارد و نعوذ بالله حزبی و حزب‌بازی است. لذا باید گفت: «الهم العن غیر حزب‌اللہی». چون «حزب‌الله واقعی»، اجتماع‌شان بر محور ایمان است و جنبه حقیقی دارد و اعتباری نیست. برخلاف سایر گروه‌گرایی‌ها و حزب‌گرایی‌هایی که انسان را کور و کر می‌کند و بعد هم حمایت‌های حساب‌نشده و جاهلانه پیش می‌آید.

### حمیت از جنود جهل

در باب عقل و جهل در کافی هست که دارد: «وَ الْإِنصَافُ وَ صِدَّةُ الْحَمِيَّةِ»، تقابل را بین انصاف و حمیت مطرح می‌کند. حضرت، انصاف را از جنود عقل می‌داند، اما حمیت را از جنود جهل می‌شمرد؛ یعنی انصاف از عقل نشأت می‌گیرد و حمیت از جهل نشأت می‌گیرد. اینکه می‌گویند قبل از آنکه می‌خواهی با کسی رفاقت کنی، ابتدا او را در روابط گوناگون اختبار کن و بعد با او طرح محبت بریز و به عنوان رفیق انتخابش کن، دلیلش این است که اگر این کار را نکنی، آخر سر چه به صورت گفتاری و چه رفتاری معین ظلم خواهی شد.

این در محیط شخصی بود که مطرح کردیم. فرض کنید زید می‌خواهد با عمرو رفاقت کند؛ می‌خواهد انتخابش کند، باید قبل از انتخاب برود از نظر ابعاد گوناگون اعتقادی و اخلاقی و رفتاری‌اش تحقیق کند، ببیند چگونه است. در اینجا او می‌فهمد چه چیزش درست است، چه چیزش نادرست است. برای اینکه هنوز به آن صورت کر و کور نشده است. اما اگر منشأ انتخابش جهل باشد، کور و کر می‌شود و حمیت و

## آنان که وامدار شان هستیم

### محیا خوبرو

در ابتدا توجه شما رو به تعریف علامه شهید مرتضی مطهری (رحمت‌الله‌علیه) از کلمه «سیره» جلب می‌نمایم.

سیر یعنی رفتن؛ اما سیره به معنای نوع و سبک راه رفتن است.

آنچه به ما توصیه شده در باب الگوبرداری‌ها و عمل کردن‌ها شناختن سبک پیغمبر (و بزرگان دین) است.

سؤالی که باید باید باید از خود پرسیم اینک:

چرا باید سیره معصومین، اولیا و شهدا را دانست؟

آیا چون فقط زبانت و با فطرت ما هماهنگ است؟

آیا دانستن سیره به ما انگیزه عمل در زندگی می‌دهد؟

آنچه قرآن در این باب از ما مطالبه دارد چیست؟

می‌فرماید: لکم فی رسول الله اسوه حسنه...

بحث الگو و اسوه داشتن فقط برای مواردی که بر شمردیم نیست.

یک کلام: برای عمل کردن مطابق آن سبکی که از آن الگو گرفته‌ایم.

سید مرتضی را مستندساز، عکاس، روزنامه‌نگار، نویسنده و

نظریه‌پرداز «سینمای اسلامی» ایران معرفی می‌کنند که در ۲۱ شهریور

سال ۱۳۲۶ در شهر ری، در خانواده‌ای معمولی متولد شد.

به ادبیات امروزی‌ها خوش تیپ بود. مدتی موهایش را بلند کرد و

باز با ادبیات امروزی بعضی‌ها جین‌پوش شده بود. شعر و داستان

می‌گفت و برداشت‌های فلسفی‌اش را روی کاغذ می‌آورد.

سید مرتضی دوره ابتدایی و راهنمایی را در زنجان، کرمان و تهران

گذراند.

نقاشی و هنر را دوست داشت و رشته معماری در دانشگاه را هم

به خاطر همین ذوق انتخاب کرده بود. سال ۱۳۴۴ بود که دانشجوی

معماری دانشگاه تهران شد و فارغ‌التحصیل ارشد این رشته شد.

بسیاری از کسانی که او را می‌شناختند این‌طور می‌گویند که سید

مرتضی بعد از انقلاب ۵۷ دوره متفاوتی را زیست نموده است.

کسی نمی‌داند چه گذشته بر او، اما خودش، تغییرات روحی و

عابدانه‌اش را این‌گونه شرح می‌دهد: «... قبل از انقلاب بنده فیلم

نمی‌ساخته‌ام؛ اگر چه با سینما آشنایی داشته‌ام. اشتغال اساسی حقیر

قبل از انقلاب در ادبیات بوده است. با شروع انقلاب تمام نوشته‌های

خوبش را - اعم از تراوشات فلسفی، داستان‌های کوتاه، اشعار و... - در

چند گونی ریختم و سوزاندم و تصمیم گرفتم که دیگر چیزی که

«حدیث نفس» باشد ننویسم و دیگر از «خودم» سخنی به میان نیاورم.

سعی کردم که «خودم» را از میان بردارم تا هر چه هست خدا باشد و

خدا را شکر بر این تصمیم وفادار مانده‌ام. البته آنچه انسان می‌نویسد

همیشه تراوشات درونی خود اوست. همه هنرها اینچنین هستند.

کسی هم که فیلم می‌سازد اثر تراوشات درونی خود اوست، اما اگر انسان خود را در خدا فانی کند؛ آنگاه این خداست که در آثار او جلوه‌گر می‌شود. حقیر این چنین ادعایی ندارم، ولی سعیم بر این بوده است.»

عده‌ای در مورد او این‌گونه گفته‌اند که پس از انقلاب، آوینی با ایدئولوژی حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) آشنا شد. ضمن آن به ادبیات و عرفان علاقمند گشت.

رد پای تفکرات عمیق معنوی‌اش در تمام آثار مستند و مکتوبش دیده می‌شود.

به گفته نقادان و اهل فن، او در مستندسازی و ارائه تفکراتش در کتاب‌ها و مقالات، سبک خاص خود را دارد.

او در مستندسازی‌هایش در مورد جنگ، ابعادی از جهاد را پیش روی بیننده می‌گذارد که تاکنون کسی این زاویه را به نمایش نیاورده است. از این رو، صدای حماسی و معنوی نریشن‌خوانی‌هایش در روایت فتح، هنوز فتح بابی برای اهل ایمان و جهاد است.

او در میان سربازان گمنام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، می‌تند، می‌سازد، از جنگ و آتش و جهاد و شهادت می‌گوید و در عین حال بیننده را به فکر وامی‌دارد که در عین جهاد در میادین نبرد حق علیه باطل، مبارزه با نفس و انانیت، جایگاه ویژه‌ای در میان رزمندگان اسلام دارد.

و این دو جهاد را دو بالی نشان می‌دهد که انسان را به معراج خویش می‌رساند.

او جهاد را بی‌مرز می‌بیند. آنجا که صدای حماسه‌اش در مورد فلسطین، انفعال وجدان‌های خفته را بیدار می‌نماید و با شکوه حماسی خاصی از فلسطین، این نماد مظلومیت حق پرستان می‌گوید: «راه قدس با کاهلی و تن‌آسایی و دل به جیفه بی‌مقدار دنیا بستن میانه‌ای ندارد. راه قدس مرد جنگ می‌خواهد و مرد جنگ نیز کربلایی‌ست و کربلایی‌ی مرد میدان عشق است و از سختی‌ها و مشقات و سر باختن‌ها و جان دادن‌ها نمی‌هراسد.»

نگارنده می‌گوید: سید مرتضی و امثال ایشان را همان برای خدا کار کردن‌ها به این شکوه رسانید. این «خود را از میان برداشتن و فقط برای خدا کار کردن»، رمز تعالی او، عمیق‌بودن روایتگری‌ها و مکتوباتش و دلنشینی شخصیت اوست.

دغدغه و رنجی متعالی، در کلام و الفاظ سید مرتضی آمیخته است که گویا سرانجام شهادتش در ۲۰ فروردین ۱۳۷۲ بر اثر انفجار مین در فکته خوزستان او را التیام می‌بخشد.

سید شهیدان اهل قلم، مرتضی آوینی، بالأخره در ۲۲ فروردین ۱۳۷۲ با حضور مقام معظم رهبری تشییع و در گلزار شهدای بهشت زهرا (سلام‌الله‌علیها) به خاک سپرده می‌شود.

راه و جان کلام و دغدغه‌اش مستدام

# شکست آمریکادر صحرای طبس

دلتا تنها ۴ نفر در امریکا از انجام آن باخبر بودند: کارتر رئیس جمهور، هارولد براون وزیر دفاع، هامیلتون جوردن مشاور کاخ سفید و برژینسکی مشاور امنیت ملی. در ایران نیز عوامل ناشناخته‌ای در جریان این عملیات بوده و با آن همکاری داشته‌اند.

به هر حال، در پی حادثه صحرای طبس و فرار باقی مانده هواپیماها و چرخبال‌های امریکایی به سوی ناو «تیمیتس» جیمی کارتر رئیس جمهور امریکا شکست این عملیات مداخله جویانه را اعلام کرد. پس از این مداخله، کتابهای بسیاری در خارج از کشور انتشار یافت و اهداف پشت پرده امریکا در این حمله ماجراجویانه و ناموفق و همچنین ابعاد رسوایی کاخ سفید را بر ملا ساخت. علاوه بر این، گزارشهای مستند و مصور منابع خبری امریکا به ویژه روزنامه نیویورک تایمز و مجلات تایم و نیوزویک، همچنین مصاحبه‌هایی که از قول فرماندهان نظامی امریکا درباره عملیات طبس در این منابع منعکس شد، ابعاد مداخله جویانه تروریسم دولتی و نگاه متعوضانه کاخ سفید علیه جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌داد. این حادثه یکی از بزرگترین رسوایی‌های نظامی و سیاسی کاخ سفید در برابر انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود.

در پی شکست قطعی عملیات امریکا در طبس و بازگشت باقیمانده هواپیماهای آن کشور یکی از چرخبال‌ها که حاوی مدارکی در مورد جزئیات عملیات بود، به دستور بنی صدر بمباران شد. در همین بمباران بود که محمد منتظر قائم، فرمانده سپاه پاسداران یزد به شهادت رسید. به هر حال این اقدام کاخ سفید که پس از بلوکه کردن دارائی‌های ایران در بانک‌های امریکا، تحریم اقتصادی ایران و اعلام قطع رابطه سیاسی واشنگتن با جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت، حلقه دیگری از اقدامات شیطان بزرگ علیه جمهوری اسلامی ایران در سالهای پس از پیروزی انقلاب بود که به شکست انجامید.

پس از این حادثه، جاسوسان امریکایی در چند دسته به نقاط مختلف کشور برده شدند تا دسترسی به آنان میسر نباشد. جاسوسان امریکایی بیش از ۶ ماه پس از عملیات امریکا در طبس در اختیار دانشجویان پیرو خط امام بودند.

موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

چهارم اردیبهشت ۱۳۵۹ نیروهای امریکایی در عملیاتی موسوم به «دلتا» و با هدف آزاد کردن گروگانهای این کشور که در لانه جاسوسی امریکا در تهران تحت مراقبت بودند، در صحرای طبس پیاده شدند. قرار بود این نیروها که در میان آنان افسران حکومت پهلوی و افراد وابسته به ساواک نیز حضور داشتند، از طبس با چرخبال به سوی تهران حرکت کرده و در ورزشگاه امجدیه (شهید شیرودی) فرود آیند و سپس با لباس مبدل، به سفارت امریکا در تهران حمله کرده و جاسوسان خود را آزاد کنند. طبق این نقشه، آنان پس از پایان فعالیتشان، از همین راه به طبس رفته و از آنجا با هواپیما از ایران خارج می‌شدند.

نیروهای امریکایی برای انجام این عملیات در «فورت برگ» امریکا آموزش نظامی دیده و در فرودگاه کارولینای شمالی انجام آن را تمرین کرده بودند. پیش از شروع عملیات نیز به پایگاه‌هایی در مصر و عمان منتقل شده بودند. فرودگاه‌های نظامی مصر، عمان و عرشه ناو هواپیمابر امریکا در دریای عمان از مراکز عمده برخاستن هواپیماها و چرخبال‌های مهاجم امریکا برای فرود در منطقه طبس بود. ناو هواپیمابر نیمیتس نیز ۴ ماه پیش از این حمله - دی ۱۳۵۸ - در چهارچوب نیروهای موسوم به «واکنش سریع» وارد خلیج فارس شده بودند. حمله نظامی امریکا به طبس، دو هفته پس از آن صورت گرفت که دولت این کشور در اقدامی یکجانبه، روابط کشورش را با جمهوری اسلامی ایران قطع کرد.

نیروهای امریکایی - ۱۳۲ نظامی، ۸ چرخبال و سه هواپیمای باربری هرکولس C-۱۳۰ - پس از استقرار در طبس و قبل از حرکت به تهران دچار حوادث مختلفی شدند و از ادامه مأموریت بازماندند. دستگاه هیدرولیک یکی از چرخبال‌ها از کار افتاد، چرخبال دیگر بر اثر طوفان شن و عدم دید کافی به هنگام جابجایی، با یکی از هواپیماهای هرکولس برخورد کرده و هر دو وسیله نقلیه آتش گرفت و در نتیجه آن ۸ تن از نظامیان در شعله‌های آتش سوختند.

منابع سیاسی امریکا مدعی‌اند که کاخ سفید برای توقف عملیات، از سوی کرمین نیز تحت فشار بوده‌اند. ادعایی که به نظر می‌رسد با هدف کتمان شکست عملیات مطرح شده است. در تمام مراحل عملیات





# عبدالعظیم؛ شایسته تعظیم

**مجتبی میرزایی، عضو تحریریه مدادالفضلاء**

مرحوم آیت الله بهجت در مورد زیارت امام زادگان می فرمودند:

زیارت هر کدام از امامزادگان همچون ویتامینی برای انسان مفید هست و شاگردان و ارادتمندان به خاندان نبوت را تشویق به زیارت امامزادگان می کرد.

شیخ عباس قمی دلایلی بر واجب التعظیمی حضرت عبدالعظیم حسنی بیان کرده است که شما عزیزان را به مطالعه آن دعوت می کنم.

**نسب شریفش**

با چهار واسطه، نسب ایشان به امام حسن مجتبی (علیه السلام) منتهی می گردد:

عبدالعظیم بن عبد الله بن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب.

**پناهگاه مردم**

قبر شریفش در منطقه ری معلوم و مشهور، و مأوی و پناهگاه عموم مردم است، و بلندی مقام و جلالت شأن آن حضرت، روشن تر از آفتاب است.

**بزرگ راوی و صحابی ائمه**

از بزرگان راویان و اعظام علما و زاهدان و عابدان و صاحب تقوا و پرهیز و از اصحاب حضرت جواد، و حضرت هادی (ع) است، و به خدمت ایشان، نهایت توسل و انقطاع را داشته است، و از آن بزرگواران، احادیث بسیار روایت کرده است. صاحب کتاب خطب امیرالمؤمنین و کتاب یوم و لیله است.

**تصدیق شده از ناحیه امام هادی (ع)**

او دین خود را بر امام زمانش حضرت هادی (ع) عرضه کرد و حضرت او را تصدیق کرد و فرمود:

يَا أَبَا الْقَاسِمِ هَذَا وَ اللَّهِ دِينُ اللَّهِ الَّذِي تَصَافُ لِعِبَادِهِ فَأَثْبِتْ عَلَيْهِ ثَبْتَكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

**نقل کرامت او در خواب اهل ری**

داستانی را دال بر کرامت ایشان نقل کرده اند:

حضرت عبدالعظیم از سلطان زمان خود ترسید، و گریخت، و به عنوان آنکه قاصد و پیک است، در شهرها گردش می کرد تا به ری آمد، و مخفی شد، و بنا بر روایت نجاشی در سردابی در خانه یکی از شیعیان، در سکه الموالی پنهان گشت، و در آنجا عبادت خدا می کرد و روزها را روزه می داشت و شبها به نماز می ایستاد، و پنهان از دید مردم بیرون می آمد، و قبری را که در برابر قبر او به فاصله یک راهرو است زیارت

می کرد، و می گفت: این قبر مردی از فرزندان موسی بن جعفر (علیهما السلام) است، و پیوسته در آنجا بود و یکی دو نفر از شیعه، از احوال او با خبر می شدند، تا آنکه بیشتر مردم ری او را شناختند، پس شخصی از شیعیان، حضرت رسالت پناه را در خواب دید، که فرمود: مردی از فرزندان مرا، از سکه الموالی بر خواهند داشت، و کنار درخت سیب، در باغ عبدالجبار بن عبد الوهاب، دفن خواهند کرد، و اشاره فرمود به همان مکانی که در آنجا دفن شد، بیننده خواب نزد صاحب باغ رفت، تا آن درخت و جایش را از صاحب باغ بخرد، مالک باغ به او گفت: این درخت و جایش را، برای چه می خری؟ خریدار خوابش را تعریف کرد، صاحب باغ گفت: من نیز چنین خوابی دیده ام، و جای این درخت را با تمام باغ وقف بر آن سید، و سایر شیعیان کرده ام، که اموات خود را در آنجا دفن کنند.

**علم و دانش او**

در وصف دانش عبدالعظیم راوی گوید:

در شهر سُرّ من رأی بر حضرت امام علی النقی (ع) وارد شدم، پس پاره ای از مسائل حلال و حرام خود را، از آن حضرت پرسیدم. سوالاتم را پاسخ دادند، زمانی که برای بیرون آمدن از سرمن رای، با آن حضرت وداع کردم به من فرمودند: ای حماد هرگاه چیزی از امور دینت بر تو مشکل شد، در ناحیه خود، یعنی در شهر ری، از عبدالعظیم بن عبد الله حسنی بپرس، و سلام مرا به او برسان.

**سفارش به زیارت ایشان**

احادیث بسیاری در فضیلت زیارت حضرت عبدالعظیم روایت شده، از جمله آمده است:

هر که قبر او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می شود.

و در روایتی دیگر آمده که:

مردی از اهل ری، خدمت حضرت امام علی النقی (علیه السلام) رفت، حضرت پرسید کجا بودی؟ عرض کرد به زیارت امام حسین (علیه السلام) رفته بودم، فرمود: اگر قبر عبدالعظیم را که نزد شماست، زیارت می کردی، هر آینه مانند کسی بودی که امام حسین (علیه السلام) را زیارت کرده باشد.



# زیارت ائمه اطهار، راهی برای رشد کمالات انسانی

خداوند متعال را شکر می‌کنیم که در زمین دل ما بذر محبت اهل بیت را افشاند و این موهبت عظیم را به ما اختصاص داد؛ خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَكُمْ بَعْرَ شِهٍ مُّحَدِّقِينَ حَتَّى مَنَّ عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَاتِنَا عَلَيْكُمْ، وَمَا حَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ، طَيِّباً لِحَلِّقِنَا، وَطَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا، وَتَزْكِيَةً لَنَا، وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا؛ استشهادم به این جمله وَمَا حَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ بود. این یک موهبت اختصاصی است که خداوند متعال به دوستان اهل بیت مرحمت فرموده است. ما در مقابلش چیزی نپرداخته‌ایم و زحمتی نکشیده‌ایم، عنایت الهی اقتضا کرده بود که بذر محبت اهل بیت در دل ما پاشیده باشد. این بذر ابتدا به‌وسیله پدر و مادر و بعد به‌وسیله دوستان و اساتید و معلمان و دیگران رشد کرد تا هر کسی که بهره‌ای از این درخت مبارک داشت این بهره را ببرد و برای همیشه از آن استفاده کند.

اراده الهی بر این تعلق گرفته است که رشد کمالات انسان، اختیاری باشد. خدا ابتدا عنایتی می‌فرماید و نعمتی را تفضل می‌کند ولی اگر انسان شکر نعمت را به جا بیاورد یکی از مصادیق لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ [۱] می‌شود و طبق مقرراتی که خداوند متعال تعیین فرموده است کمالاتش رشد می‌کند. از جمله چیزهایی که این درخت را بارور می‌کند همین مراسم عزاداری و اظهار عواطف دینی، چه در ایام سرور و چه در ایام عزاست و همین‌طور از بهترین وسیله‌های آبیاری این درخت، رفتن به زیارت ائمه اطهار صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین است که به صورت‌های مختلفی مورد تأکید واقع شده است.

در حد اطلاعات بنده، تشویق‌هایی که برای زیارت سیدالشهدا صلوات‌الله‌علیه شده است برای هیچ چیزی نشده است. برکاتی که برای زیارت سیدالشهدا و عزاداری و گریه برای ایشان ذکر شده است از همه چیز امیدبخش‌تر است. سعی کرده‌اند یک راه‌هایی را برای ما معین کنند که برای هر کسی میسر باشد. توصیه کرده‌اند که شیعیان ما هر جا که هستند شبی یک مرتبه، آخر شب، قبل از خواب، یک سلام به سیدالشهدا عرض کنند. این اقل چیزی است که ما می‌توانیم از توسل و زیارت اباعبدالله‌سلام‌الله‌علیه بهره‌مند شویم. مراتب عالی‌ترش هم هست که همه کماً و کیفاً می‌دانید؛ کسانی مقید بودند که هر روز زیارت عاشورا را با صد لعن و صد سلام بخوانند. یکی‌شان مرحوم آقای بهجت رضوان‌الله‌علیه بود. ایشان از استادشان مرحوم آقا شیخ محمدحسین اصفهانی رضوان‌الله‌علیه نقل می‌کردند که ایشان از خدا خواسته بودند که تا آخرین روز زندگی‌شان این زیارت‌شان ترک نشود و می‌فرمودند همین‌گونه هم شد؛ ایشان در شب آخر وفاتشان هم زیارت عاشورا و چیزهای دیگری از جمله نماز جعفر را خواندند و بعد در حال سجده از دنیا رفتند.

سخنرانی علامه مصباح یزدی (رحمت‌الله‌علیه)

در دیدار با طلاب مدرسه علمیه رشد، شنبه ۲۰ مهر ۱۳۹۲



# غیر از ظهور تو مگر مادر چه می خواهد

علی اکبر لطیفیان

جز رحمت چشمان تو، دنیا چه می خواهد  
 تشنه به غیر آب، از دریا چه می خواهد  
 حالا که موسایم شدی راهی نشانم ده  
 غیر از نجات، این قوم از موسی چه می خواهد  
 شاید بپرسی از چه دنبال دَمَت هستم  
 دل مرده نوعاً از دَم عیسی چه می خواهد؟  
 پیغام و پس پیغام یعنی یاد ما هستی  
 مجنون جز این پیغام، از لیلا چه می خواهد  
 پیراهنی بفرست شاید زنده ماندم من  
 جز دل خوشی، یعقوب نابینا چه می خواهد  
 تا کیسه ما پر شود احسان تو کافی است  
 مسکین به جز خیرات از آقا چه می خواهد  
 چیز مهمی نیست این که ما چه می خواهیم  
 باید ببینیم آن جناب از ما چه می خواهد  
 ای انتقام پهلوی پشت درِ خانه  
 غیر از ظهور تو مگر مادر چه می خواهد



الهی،

به پایان آمد این ماه عبادت همچنان باقی است

برای ما حرم بنویس نجف تا کربلا کافست

اللهم اهل الکبریا و العظمت، اللهم اهل الجود و الجبروت

طاعاتون قبول حق، عید فطر مبارک

به برکت صلوات بر محمد و آل محمد اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

مژده مژده

استقبال بی نظیر بازدید کنندگان از غرفه

مؤسسه فرهنگی، قرآن و عترت اسوه تهران

در سی و یکمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم و همچنین با نظر کارشناسان وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی غرفه برتر برگزیده شد و موفق به اخذ لوح تقدیر هدیه گردید.



واحد پژوهش مؤسسه فرهنگی، قرآن و عترت اسوه تهران

سردبیر: سرکار خانم زهرا بادی

دبیر تحریریه: فخری مرجان

مدیر هنری: سعیده نیکبخت

بهای هر شماره: ذکر صلوات نثار ارواح طیبه شهدا و امام خمین (ره)

راه های ارتباطی با مؤسسه فرهنگی، قرآن و عترت اسوه تهران

پایگاه اینترنتی: [www.osveh.org](http://www.osveh.org)

فروشگاه اینترنتی: [www.osvehshop.com](http://www.osvehshop.com)

کانال تلگرام: [osveh\\_org](https://t.me/osveh_org)

آدرس اینستاگرام مؤسسه اسوه: [osveh\\_org](https://www.instagram.com/osveh_org)

آدرس صفحه اینستاگرام چاشنی زودپز: [chashni\\_zoodpaz](https://www.instagram.com/chashni_zoodpaz)

مرکز آموزش الکترونیک اسوه: [www.nokavedu.ir](http://www.nokavedu.ir)

مرکز مشاوره اسوه: [www.osvehgap.ir](http://www.osvehgap.ir)

نشانی: تهران- خیابان کارگر جنوبی- پایین تر از چهار راه لشکر- روبه روی دانشگاه پردیس علامه طباطبایی- کوچه شهید علی غیاثوند قیصری- بن بست آریا- پلاک ۶

شماره تماس: ۰۲۱-۵۵۴۸۲۰۲۵